بررسی اثربخشی آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر مهارت اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی

سعیده عبودیت[1]، شعله امیری[2]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: ماهیت پیچیده رفتار کودکان، بررسی و به کارگیری درمان‌های جدید را ایجاب می‌کند. هدف از انجام پژوهش حاضر، تعیین تأثیر آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر مهارت اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش آزمایشی و به صورت پیش‌آزمون- پس‌آزمون همراه با گروه شاهد انجام شد. ابتدا یکی از مراکز پیش‌دبستانی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به صورت تصادفی انتخاب گردید و تمام کودکان آن مرکز با استفاده از پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی Matson (Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters یا MESSY) جهت بررسی میزان مهارت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت، ۲۴ نفر که نمره پایین‌تری کسب کردند، انتخاب گردیدند و در دو گروه آزمایش و شاهد قرار داده شدند. مادران همه آزمودنی‌ها قبل و بعد از مداخله، مقیاس هوش چندگانه Gardner، پرسش‌نامه شادی کودکان مبتنی بر مقیاس شادکامی آکسفورد (Oxford Happiness Inventory یا OHI) تطبیق داده شده برای کودکان و مقیاس MESSY را تکمیل نمودند. گروه آزمایش ۱۲ جلسه تحت آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner قرار گرفتند.

یافته‌ها: تفاوت معنی‌داری بین میزان شادی و مهارت اجتماعی گروه آزمایش نسبت به گروه شاهد وجود داشت ($P < ۰/۰۵۰$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، توصیه می‌گردد از آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر مقیاس هوش میان فردی Gardner جهت افزایش مهارت‌های اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: روابط بین فردی، هوش اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، شادی، کودکان پیش‌دبستانی

ارجاع: عبودیت سعیده، امیری شعله. **بررسی اثربخشی آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر مهارت اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۳): ۳۱۲-۳۰۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۴

مقدمه

در گذشته عقیده بسیاری از صاحب‌نظران بر این بود که ورود کودکان به دبستان، آغاز یادگیری و شکوفایی آن ها در همه ابعاد رشد است، اما امروزه در پرتو تلاش متخصصان مختلف، مسیر تفکر و برنامه‌ریزی به سمت بارور کردن آموزش در سال‌های پیش از دبستان در همه ابعاد رشد از جمله رشد جسمانی، اجتماعی، شناختی و زبانی تغییر کرده است (۱). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که در طی این دوره، مبنا و اساس رشد بعدی پایه گذاری می گردد (۲). Agran و همکاران معتقد هستند که رشد اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد رشد هر کودک محسوب می‌شود؛ چرا که فرض بر این است که کودکان بدون رشد اجتماعی و داشتن مهارت‌های لازم، قادر نیستند وظایف خود را در تعامل اجتماعی با سایر افراد انجام دهند (۳). اجتماعی شدن کودکان به معنای همسانی و همخوانی آن‌ها با قواعد، ارزش‌ها، نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. کودکان در این فرایند، مهارت، دانش و شیوه‌های سازگاری را می‌آموزند و امکان روابط متقابل را در یک فعل و انفعال مستمر به دست می‌آورند (۱).

مطالعه‌ای نشان داد که تعامل اجتماعی یک فن و منبع غیر قابل اجتنابی از رشد روانی کودکان به شمار می‌رود (۴). کمک کردن، تقاضای کمک یا اطلاعات (۵)، پیروی کردن از دستورات و نقش ها، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران (۶)، در انتظار نوبت ماندن، خودمهارگری، سازگاری با جامعه (۷)، جرأت‌ورزی، مسؤولیت‌پذیری و ارتباط و تعامل داشتن با همتایان و دیگر اشخاص، نمونه‌هایی از مهارت‌های تعاملی محسوب می‌شوند (۱). در این زمینه، Santinello و همکاران به این نکته اشاره کردند که اگر کودک در سنین پیش از دبستان بتواند با همتایان خود ارتباط مناسبی برقرار نماید، این روابط اولیه به مرور زمان تبدیل به دوستی می شود و هیجانات مثبت از جمله شادی را برای کودک به همراه دارد (۸).

۱- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
نویسنده مسؤول: سعیده عبودیت
Email: saedeh_o1984@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

Seligman و همکاران در الگوها و نظریه‌هایی که پیرامون شادی ارایه کردند، مؤلفه‌های درون فردی و میان فردی را مطرح نمودند (۹). در این زمینه، برخی از متخصصان، تعاملات اجتماعی را مانند مؤلفه‌های بین فردی شادی می‌نگرند و معتقد هستند که شبکه‌های حمایتی افراد و پیوندهای نزدیک همچون دوستی، عشق و ازدواج، از نمونه های بارز و تأثیرگذار بر میزان شادکامی افراد است (۱۲-۱۰). تحقیقی عنوان کرد که در سنین کودکی و بین نوجوانان، گروه های همگنان یکی از قوی ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی است و از تعیین کننده‌های شادی در این سنین به شمار می‌رود (۱۳). از سوی دیگر، نتایج بیشتر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که محیط خانواده به تنهایی پاسخگوی آموزش و رشد شناختی و اجتماعی کودک پس از ۴ سالگی نیست و کودکان در این سن نیاز به شرکت در فعالیت‌های هدفمند گروهی بیشتری دارند (۱۲).

از عمده‌ترین روش‌های آموزش در دوره پیش‌دبستانی که در چند سال اخیر تحقیقات زیادی پیرامون آن شکل گرفته است، می توان به نظریه هوش Gardner اشاره کرد. از نظر وی، هوش عبارت است از «استعداد حل کردن مسایل یا تولید محصولاتی که در یک فرهنگ ارزشمند شمرده می‌شود» (۱۴). Gardner و Moran دیدگاه نو و متفاوتی نسبت به نظریه‌های قبل ارایه کردند که به سرعت مورد پذیرش بسیاری از برنامه‌ریزان آموزشی و تربیتی قرار گرفت. آن ها با انجام دادن پژوهش‌های گسترده‌ای درباره مسایل بیولوژیکی و فرهنگی مرتبط با فرایندهای ذهنی، ۱۰ نوع هوش را پیشنهاد نمودند که با دیدگاه سنتی هوش که بیشتر بر توانایی‌های زبانی و ریاضی استوار بود، تفاوت داشت. این ۸ نوع هوش شامل منطقی- ریاضی، کلامی- زبانی، فضایی- دیداری، موسیقیایی، بدنی- جنبشی، بین فردی، درون فردی، طبیعت‌گرایی (۱۵)، هستی‌گرا و هوش‌های فرعی (۱۶) بود.

Gardner از میان ابعاد چندگانه هوش، هوش میان فردی را به صورت «هوشی که به وسیله آن استعداد درک مقاصد، انگیزه ها و احساسات دیگران و مهارت در ایجاد روابط با آنان ایجاد می‌شود» بیان کرد (۱۷). همچنین، Gardner و Moran معتقد هستند افرادی که هوش میان فردی بالاتری دارند، سعی می‌کنند برای درک بهتر امور، آن‌ها را از منظر دیگران احساس و ادراک کنند. آنان از استعداد سازماندهی و نفوذ در دیگران برخوردارند و صلح و همکاری در میان افراد گروه ایجاد می‌نمایند. علاوه بر این، آن‌ها برای ارتباط از روش های کلامی و غیر کلامی به خوبی استفاده می‌کنند (۱۵). بر خلاف دیدگاه‌های سنتی، در واقع Gardner معتقد است که هر شخص می‌تواند سطح هوشی خود را بهبود بخشد تا زمانی که از آموزش کافی برخوردار باشد (۱۸). در این زمینه، مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که آموزش هوش‌های چندگانه Gardner توانست نمرات این مقیاس را در کودکان استرالیایی افزایش دهد (۱۵). همچنین، Mettetal و Jordan گزارش کردند که برنامه‌های آموزشی مبتنی بر هوش بین فردی و درون فردی، احساس جدا بودن و مورد بی‌توجهی واقع شدن را از کودک می‌گیرد و به او این حس را القا می‌نماید که در گروه همگنان نقشی دارد و در نتیجه، اعتماد به نفس و عملکرد گروهی کودکان را افزایش می‌دهد (۱۹). بنابراین، متخصصان در خصوص نظریه هوش‌های چندگانه Gardner عقیده دارند که هوش ترکیبی از توانش‌های بالقوه ارثی و مهارت‌هایی است که می‌توان آن‌ها را از طریق آموزش و فراهم آوردن تجربیات مرتبط افزایش داد (۲۰).

دوره پیش‌دبستان از مهم‌ترین دوره‌های رشدی در انسان محسوب می‌گردد که نتایج بزرگی را در حوزه‌های رشد شناختی و اجتماعی برای افراد به دنبال دارد. همچنین، با توجه به نکات بیان شده و با در نظر گرفتن این مسأله که کودکان فاقد توانایی های اجتماعی، ممکن است در برخورد با موانع و مشکلات احساس ناکامی کنند و رفتارهای تکانشی از خود نشان دهند و برای دوری از موقعیت مشکل ساز گوشه گیر شوند و یا رفتار غیر انطباقی بروز دهند (۲۱)، تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور ارتقای مهارت‌های تعاملی در موقعیت‌های اجتماعی و افزایش سطح شادی آن‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، با توجه به این که توان و کفایت کودک به عوامل خطرزا و حمایت کننده‌ای بستگی دارد که طی رشد با آن‌ها مواجه می‌شود، آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان یکی از برنامه‌های اجتماعی حمایت کننده، می تواند تأثیر عوامل خطرزا را خنثی و دستیابی کودک را به کفایت اجتماعی تسهیل نماید. با توجه به پیشینه پژوهش دال بر اثربخشی آموزش ها بر بهبود مهارت‌های تعاملی و کاهش افسردگی و شادی کودکان و همچنین، اثربخشی آموزش هوش‌های چندگانه Gardner در کودکان و با توجه به فقدان تحقیقات کافی در این مقطع حساس از زندگی کودکان در ایران، مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر مهارت اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

این تحقیق به روش آزمایشی همراه با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه شاهد انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان در سال ۹۵-۱۳۹۴ تشکیل داد. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از میان نواحی شش‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان، یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس یکی از مراکز پیش دبستانی این ناحیه نیز به صورت تصادفی انتخاب شد و در گام بعدی، تمامی کودکان این مرکز با استفاده از آزمون مهارت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. در گام آخر، از بین کودکانی که در آزمون مهارت های اجتماعی نمره کمتر از میانگین کسب کردند و والدین آن‌ها نیز با ورود کودکشان به پژوهش اعلام رضایت نمودند، ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند و در این میان به دلیل ریزش در هر دو گروه که از دلایل آن طولانی بودن مدت دوره آموزشی و پیگیری بود، ۱۲ نفر در گروه آزمایش و ۱۲ نفر در گروه شاهد تا مرحله پیگیری در پژوهش حضور داشتند. جهت رعایت اخلاق پژوهش، پرسش‌نامه‌ها بدون نام بود و برای کودکان گروه شاهد نیز پس از دوره گروه آزمایش، جلسات بازی درمانی تشکیل گردید.

ابزارهای مورد استفاده در مطالعه در ادامه به تفصیل آمده است.

پرسش‌نامه هوش چندگانه Gardner: این مقیاس توسط عابدی در سال ۱۳۸۹ جهت سنجش و برآورد هوش‌های چندگانه Gardner برای کودکان ۶ تا ۱۰ ساله شهر اصفهان تدوین شد. مقیاس Gardner توسط والدین یا معلم تکمیل می گردد و هوش های چندگانه را در ابعاد کلامی- زبانی، منطقی- ریاضی، دیداری- فضایی، حرکتی- جسمی، موسیقیایی، طبیعت‌گرایی، برون فردی و درون فردی ارزیابی می‌نماید (۲۲). عابدی، اعتبار این ابزار را با استفاده از ضریب Cronbach's alpha برای کل مقیاس، ۰/۹۴ و برای هر یک از ابعاد کلامی- زبانی، منطقی- ریاضی، دیداری- فضایی، حرکتی-

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

جسمی، موسیقیایی، طبیعت‌گرایی، برون فردی و درون فردی به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۸۸، ۰/۶۷، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۹۱، ۰/۸۳ و ۰/۶۸ گزارش کرد. فرم پاسخنامه به صورت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (رفتار یا فعالیتی که از طرف کودک خیلی کم انجام می‌شود) تا خیلی زیاد (رفتار یا فعالیتی که به طور مکرر از جانب کودک تکرار می‌شود) می‌باشد که در هر هوش (از جمله در هوش میان فردی) ۱۰ سؤال از فعالیت‌های مرتبط با آن مطرح می‌گردد. بنابراین، مجموع نمرات هر هوش ۵۰ امتیاز است (۲۲). ضریب پایایی کل مقیاس مذکور به روش ضریب Cronbach's alpha در پژوهش حاضر، ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسش‌نامه شادی کودکان مبتنی بر مقیاس شادکامی آکسفورد (Oxford Happiness Inventory یا OHI): این پرسش‌نامه توسط عبودیت و امیری در سال ۱۳۹۱ بر اساس پرسش‌نامه OHI تدوین گردید و دارای دو فرم والدین و مربی می‌باشد. ابزار مذکور برای گروه سنی ۴ تا ۱۶ سال تعبیه شده است و ۱۲ سؤال در طیف لیکرت شش درجه‌ای دارد. ۴ سؤال این پرسش‌نامه بعد ذهنی شادی را می‌سنجد. بررسی همسانی درونی نشان داد که تمام ۱۲ گزاره این پرسش‌نامه همبستگی بالایی با نمره کل دارد. همچنین، عبودیت و امیری ضریب پایایی پرسش‌نامه شادی کودکان را با روش ضریب Cronbach's alpha محاسبه کردند که ۰/۷۸ به دست آمد (۲۳). ضریب پایایی این ابزار به روش ضریب Cronbach's alpha در مطالعه حاضر، ۰/۸۱ محاسبه شد.

پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی Matson یا Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY): این مقیاس توسط Matson در سال ۱۹۹۲ جهت ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان تهیه شد. اطلاعات از دو طریق خودگزارش‌دهی (برای گروه‌های سنی ۱۸-۴ سال) و گزارش از طریق معلم (برای گروه‌های سنی ۱۵-۴ سال) مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقیاس MESSY از ۶۲ سؤال تشکیل شده است که بر اساس تحلیل عوامل در روش خودگزارش‌دهی، به شش عامل «مهارت‌های اجتماعی مناسب، جرأت نامناسب، برانگیخته- متمرد، اعتماد به نفس بیش از حد، حسادت- گوشه‌گیری و قسمت متفرقه» اشاره می‌شود. ابزار مذکور به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای است که پاسخ‌ها از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌گردد. در پژوهش Matson، قابلیت اعتماد با استفاده از روش بازآزمایی برای روش خودگزارش‌دهی، ۰/۵۰ و برای گزارش معلم ۰/۵۵ به دست آمد. میزان ضریب Cronbach's alpha کل مقیاس MESSY در پژوهش امیری، ۰/۷۹ گزارش گردید. همچنین، این مقدار برای هر شش مهارت به طور جداگانه به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۵۸، ۰/۶۵، ۰/۴۹، ۰/۵۸ و ۰/۳۰ محاسبه شد (۲۴). جهت بررسی اعتبار (روایی) صوری، پس از ترجمه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، چند نفر از استادان دانشگاه متن آزمون را مورد بررسی قرار دادند و توانایی سنجش مهارت‌های اجتماعی توسط آزمون را تأیید نمودند (۲۴). ضریب پایایی این ابزار به روش Cronbach's alpha در تحقیق حاضر، ۰/۷۷ گزارش گردید.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه‌های آزمایش و شاهد در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مهارت اجتماعی و شادی در مراحل مختلف آزمون و به تفکیک گروه‌ها

متغیر	نوبت ارزیابی	شاهد	آزمایش
		میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار
مهارت اجتماعی	پیش‌آزمون	۳۶/۲۵ ± ۵/۹۲	۳۱/۶۷ ± ۴/۲۲
	پس‌آزمون	۳۵/۸۳ ± ۴/۰۱	۳۵/۷۵ ± ۴/۵۵
شادی	پیش‌آزمون	۵۶/۶۷ ± ۷/۴۱	۵۷/۵۸ ± ۷/۳۴
	پس‌آزمون	۵۶/۰۸ ± ۷/۲۹	۶۲/۵۰ ± ۷/۹۷

به منظور بررسی معنی‌داری تفاوت‌های ملاحظه شده در میانگین‌ها و پاسخگویی به فرضیات پژوهش، میانگین گروه‌های آزمایش و شاهد در پس‌آزمون با کنترل اثر پیش‌آزمون، با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین منظور، مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها با استفاده از آزمون Kolmogorov-Smirnov و همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون Levene بررسی گردید. نتایج نشان داد که سطح معنی‌داری این آزمون‌ها بیشتر از ۰/۰۵ و بیانگر برقراری مفروضه‌های تحلیل کواریانس است.

بر اساس داده‌های جدول ۲، پس از حذف اثر متغیر همپراش پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و شاهد در متغیر تعامل اجتماعی ($F_{(۱ و ۲۱)} = ۹/۱۰$، $P < ۰/۰۵۰$) و شادی ($F_{(۱ و ۲۱)} = ۸/۲۰$، $P < ۰/۰۵۰$) تفاوت معنی‌داری وجود داشت.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل کواریانس برای بررسی تفاوت گروه‌ها در میزان مهارت اجتماعی و شادی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار P	اندازه اثر
مهارت اجتماعی	پیش‌آزمون	۲۴۶/۲۸	۱	۲۴۶/۲۸	۳۹/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۶۵
	گروه	۶۱/۳۸	۱	۶۱/۳۸	۹/۱۰	۰/۰۰۷	۰/۳۰
	خطا	۱۴۱/۶۳	۲۱	۶/۷۴	–	–	–
	کل اصلاح شده	۴۰۵/۹۵	۲۳	–	–	–	–
شادی	پیش‌آزمون	۷۹۱/۸۸	۱	۷۹۱/۸۸	۳۳/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۶۱
	گروه	۱۹۲/۱۷	۱	۱۹۲/۱۷	۸/۲۰	۰/۰۰۹	۰/۲۸
	خطا	۴۹۲/۰۲	۲۱	۲۳/۴۳	–	–	–
	کل اصلاح شده	۱۵۳۰/۹۵	۲۳	–	–	–	–

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی (بر مبنای هوش میان فردی Gardner)، بر افزایش تعامل اجتماعی و شادی کودکان پیش‌دبستانی اثربخش می‌باشد. همچنین، مجذور اتا نشان داد که به ترتیب ۳۰ و ۲۸ درصد از تغییرات مهارت اجتماعی و شادی توسط آموزش های ارایه شده قابل تبیین است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی (بر مبنای هوش میان فردی Gardner)، بر تعامل اجتماعی کودکان پیش دبستانی مؤثر می باشد و وجود تفاوت معنی دار بین میزان تعامل اجتماعی گروه آزمایش که تحت آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی (بر مبنای هوش میان فردی Gardner) قرار گرفته بودند، نسبت به گروه شاهد تأیید می گردد. این یافته با نتایج مطالعات جلالی و همکاران (۲)، یزدانی‌پور و یزدخواستی (۲۵)، Adela و همکاران (۶)، Gosteva (۵)، Kascsak (۲۶) و Mashford-Scott و همکاران (۲۷) همسو بود. آن‌ها گزارش کردند که مداخلات آموزشی به خصوص در قالب بازی، می‌تواند مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان را افزایش دهد. همچنین، Mettetal و Jordan گزارش کردند که آموزش های مبتنی بر هوش های میان فردی Gardner، احساس جدا بودن و مورد بی توجهی واقع شدن را از کودک می گیرد و به او این حس را القا می نماید که در کلاس نقشی دارد و در نتیجه، اطمینانش به خود بیشتر می گردد (۱۹). نتایج پژوهش Shure نیز حاکی از آن بود که آموزش هوش میان فردی، باعث افزایش هوش هیجانی و همدلی می‌گردد و این امر می‌تواند باعث افزایش کیفیت روابط بین فردی شود (۲۱).

در تبیین نتایج بررسی حاضر می‌توان گفت که به نظر Gardner، همه افراد انواع هوش را به نسبت‌های متفاوتی دارند و در فرایند یادگیری، انواع هوش در حکم مکمل با یکدیگر عمل می کنند. نظریه هوش های چندگانه عقیده دارد که هوش ترکیبی از توانش‌های بالقوه ارثی و مهارت‌هایی است که می‌توان آن‌ها را از طریق آموزش و فراهم آوردن تجربیات مرتبط افزایش داد (۲۰). تحقیق Campbell و Campbell با مقایسه روش آموزش هوش‌های چندگانه و دیگر روش‌های آموزشی، به این نتیجه دست یافت که آموزش در هوش‌های چندگانه Gardner بر نقاط قوت انواع هوش از جمله هوش بین فردی کودکان تأکید دارد؛ در حالی که دیگر روش‌های آموزشی و مداخله‌ای تلاش دارند تا با استفاده از روش‌های مستقیم، نقاط ضعف کودک را تصحیح نمایند (۲۸). آموزش بر مبنای هوش‌های Gardner نه تنها نقاط قوت کودک را شناسایی می‌کند و به کودکان اطمینان می‌بخشد، بلکه روش‌های آموزشی جایگزینی را فراهم می‌نماید تا این نقاط ضعف برطرف شوند (۱۹).

Gardner و Moran در مطالعه خود، آموزش هوش‌های چندگانه را به عنوان تلاش برای شناسایی این که مشخص کند چگونه یک کودک در همه ابعاد زندگی از جمله روابط اجتماعی هوشمند عمل خواهد کرد، مد نظر قرار داد نه این که آیا کودک باهوش است یا خیر (۱۵). شناخت این نقاط قوت و تقویت آن‌ها از طریق مداخلات طراحی شده در بازی‌های مبتنی بر هوش‌های چندگانه، باعث بهبود و افزایش هوش می‌گردد (۲۰).

با توجه به مطالب بیان شده و در تبیین دیگری از تأثیرگذاری هوش‌های چندگانه بر مهارت‌های اجتماعی، Mettetal و Jordan اعتقاد دارند که کودکان از «مشاهده» به «مشارکت» و از «دانستن» یعنی اطلاعات منفصل به «فهمیدن» که همان اتصال اطلاعات منفصل است، سوق داده می شوند و در این امر به شرایط، محیط و موقعیت آن‌ها توجه جدی مبذول می‌گردد (۱۹). در واقع، با شناسایی ویژگی‌ها و توانمندی‌های کودک و ایجاد شرایط مناسب، پدیده مهمی به نام تغییر رخ می دهد. از طرف دیگر، Bar-On چنین بیان کرد که بخش عمده‌ای از اجتماعی شدن کودکان طی سنین ۳ تا ۶ سالگی اتفاق می‌افتد و بنیان روابط اجتماعی در این سنین شکل می گیرد. بنابراین، مناسب‌ترین سنین برای مداخله و تسریع و تسهیل رفتار اجتماعی، سنین کودکی است (۲۹). آموزش هوش بین فردی باعث افزایش مهارت‌های انفرادی وابسته به خود فرد و مهارت‌های کنترل گری و سازگاری می‌شود. همچنین، مهارت‌های ارتباطی ساده مانند مکالمه، لبخند زدن، تماس چشمی، گوش دادن و همکاری را افزایش می‌دهد که این مهارت‌ها منتج به افزایش مهارت‌های تعاملی، ارتباطی و اجتماعی می‌گردد (۳۰).

بر اساس دیدگاه Heckman، مهارت‌های تعاملی از جمله مهم‌ترین مهارت‌هایی است که می‌توان از طریق بازی به طور موفقیت‌آمیزی در آن مداخله کرد (۳۱). از یافته‌های مطالعه Masten و Coatsworth نیز چنین استنباط می‌شود که سال‌های پیش‌دبستانی برای ساختن توانش اجتماعی-هیجانی بسیار حیاتی است. آن‌ها اعتقاد دارند که بازی‌های گروهی مبتنی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی، قابلیت به وجود آوردن محیط درمانی پرتوانی را دارند که در آن کودکان می‌توانند ضمن تجربه احساسات مثبت، به یادگیری مهارت‌های تعاملی جدید بپردازند (۳۲).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر می‌توان به اثربخشی آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر شادی کودکان پیش‌دبستانی اشاره نمود که با یافته‌های تحقیقات Schultz و همکاران (۱۰)، Douglas و همکاران (۱۱)، Cluck و Hess (۳۳)، Mettetal و Jordan (۱۹) و Jung و Kim (۳۴) همخوانی داشت. آن‌ها گزارش کردند که آموزش رویکرد هوش‌های چندگانه Gardner، باعث افزایش شادی، بهزیستی عاطفی و کاهش هیجانات منفی در کودکان می‌گردد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت به دلیل این که کودکان هنوز به تفکر انتزاعی دست نیافته‌اند تا بتوانند به بیان هیجانات و احساسات بپردازند، باید به دنبال راهی بود تا به وسیله آن هیجانات و احساسات مثبت و منفی خود را نمایان سازند. از آن جایی که بازی برای کودکان مانند کلام برای بزرگسالان می‌باشد؛ بنابراین، وسیله‌ای برای بیان احساسات و برقراری روابط است و از طرف دیگر، باعث ارتباط افکار درونی کودک با دنیای خارج می‌شود (۳۵). Liberman و همکاران نیز اعتقاد دارند که کودکان در جریان بازی، هیجانات منفی خود نسبت به محیط را به سطح قابل مشاهده انتقال می دهند که این امر باعث نوعی تخلیه روانی و افزایش شادی آن‌ها می‌گردد (۳۶).

در تبیین اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر هوش میان فردی شاید بتوان گفت که بازی خود نوعی ابزار و وسیله ایجاد شادی و نشاط در کودکان است و به دلیل این که در پژوهش حاضر بازی‌ها به گونه‌ای انتخاب و طراحی شدند که بر مبنای هوش بین فردی Gardner باشند؛ بنابراین، نوعی هم‌افزایی در خصوص اثربخشی این روش مداخله بر میزان شادی کودکان، کاهش هیجانات منفی و رشد ارتباطات مثبت بین همگنان داشت. در این راستا، Parker و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

Baggerly نیز در تحقیق خود نشان دادند کـه بـازی درمـانی گروهـی، باعـث بهبود روابط اجتماعی، کاهش عواطف منفی و افزایش خلق مثبت می‌گردد (۳۷).

از آن‌جایی که شادی مؤلفه‌ای اساسی از بهزیستی روان‌شـناختی بـه شـمار می‌رود و بهزیستی روان‌شناختی در کودکان بیشتر تحـت عنـاوین بهزیسـتی یـا رشد اجتماعی و عاطفی نامیده مـی شـود (۳۸) و بـه معنـای توانـایی کـودک در مشارکت در محیط فیزیکی- اجتماعی، شکل‌دهی روابط ایمـن و سـالم، تجربـه کردن، تنظیم نمودن و درک و ابراز عواطف، درک و تنظیم رفتار خویش، تعامـل مناسب با دیگران و رشد دادن یک احساس ایمن در مورد خویش است (۳۹) و از طرف دیگر، آموزش روابط اجتماعی در مطالعه حاضر مبتنی بر بـازی بـر مبنـای هوش میان فردی Gardner بود؛ بنابراین، شاید بتـوان عنـوان نمـود کـه ایـن آموزش منجر به افزایش شادی کودک مؤثر شده است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به شناسایی کودکان دارای ضعف در مهارت‌های اجتماعی توسط والدین و اعمال نظرات آن‌ها اشاره نمود و نظرات همگنان، معلم و خود کودک در نظر گرفته نشد. این امر از این نظـر مهـم اسـت که انتظارات و مقایسه‌هایی که والدین انجام می‌دهند، ممکن است نتایج پژوهش را تحت تأثیر و سوگیری قرار دهد. بـر اسـاس نتـایج بـه دسـت آمـده، پیشـنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده جهت سنجش مهارت‌های اجتمـاعی، از ابزارهـای دیگری همچون مصاحبه بالینی، مشاهده رفتار کودک، نظرسـنجی از همگنـان و نظرات معلمان نیز استفاده گردد. همچنین، بر اساس نتـایج حاصـل شـده (تـأثیر آموزش روابط اجتماعی مبتنی بر بازی بر مبنای هوش میان فردی Gardner بر تعامل اجتماعی و شادی کودکـان پـیش ازدبسـتان)، پیشـنهاد مـی‌شـود از ایـن پروتکل در جهت افزایش مهـارت‌هـا در مراکـز پـیش‌دبسـتانی و کلینیـک‌هـای روان‌شناسی استفاده گردد.

سپاسگزاری

مطالعه حاضر برگرفته از پایانامه مقطع کارشناسی ارشـد روان‌شناسـی بـالینی بـا شـماره ۴۸۶۲۰۷۰۱۹۲۲۰۵۴، مصـوب دانشـگاه آزاد اسـلامی واحـد خوراسـگان می‌باشد. بدین وسیله از کلیه مدیران، معلمان، والدین و به ویژه کودکـانی کـه در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. de Bruyn EH, Cillessen AH, Wissink IB. Associations of peer acceptance and perceived popularity with bullying and victimization in early adolescence. J Early Adolesc 2010; 30(4): 543-66.
2. Jalali S, Kar Ahmadi M, Molavi H, Aghaei A. The effect of cognitive-behavior group play therapy on social phobia in 5-11 years old children. J Res Behav Sci 2011; 9(2): 104-13.
3. Agran M, Blanchard C, Wehmeyer M, Hughes C. Increasing the problem-solving skills of students with developmental disabilities participating in general education. Remedial Spec Educ 2002; 23(5): 279-88.
4. Kharrazi SK, Delgoshoee Y. Cognitive approach towards education and its impact on social responsibility of pre-school children. Procedia Soc Behav Sci 2010; 5(Supplement C): 2174-7.
5. Gosteva AV. Effects of early childhood teacher delivered play therapy intervention on the social skills of young children: A pilot study [PhD Thesis]. Christchurch, New Zealand: UC Research Repository, University of Canterbury; 2013.
6. Adela M, Mihaela S, Elena-Adriana T, Monica F. Evaluation of a program for developing socio-emotional competencies in preschool children. Procedia Soc Behav Sci 2011; 30(Supplement C): 2161-4.
7. Asher SR, Taylor AR. Social outcomes of mainstreaming: Sociometric assessment and beyond. Exceptional Education Quarterly 1981; 1(4): 13-30.
8. Santinello M, Vieno A, Romito A, Arnau F. Evaluation of "I can problem solve" training to improve social skills in 1st and 2nd year elementary school children. Psicoterapia Cognitive Compartmental 2010; 2: 123-32.
9. Seligman ME, Steen TA, Park N, Peterson C. Positive psychology progress: Empirical validation of interventions. Am Psychol 2005; 60(5): 410-21.
10. Schultz D, Izard CE, Stapleton LM, Buckingham-Howes S, Bear GA. Children's social status as a function of emotionality and attention control. J Appl Dev Psychol 2009; 30(2): 169-81.
11. Douglas O, Burton KS, Reese-Durham N. The effects of the multiple intelligence teaching strategy on the academic achievement of eighth grade math students. J Instr Psychol 2008; 35(2): 182-7.
12. Hojjat SK, Golmakani E, Norozi KM, Shakeri CM, Hamidi M, Akaberi A, et al. The effectiveness of group assertiveness training on happiness in rural adolescent females with substance abusing parents. Glob J Health Sci 2015; 8(2): 156-64.
13. Myers DG. The funds, friends, and faith of happy people. Am Psychol 2000; 55(1): 56-67.
14. Rueda MR, Checa P, Combita LM. Enhanced efficiency of the executive attention network after training in preschool children: Immediate changes and effects after two months. Dev Cogn Neurosci 2012; 2(Suppl 1): S192-S204.
15. Gardner H, Moran S. The science of multiple intelligences theory: A response to lynn waterhouse. J Educ Psychol 2010; 41(4): 227-32.
16. Gardner H. Intelligence isn't black & white-there is actually 8 different kinds. New York, NY: Guilford Press; 2016.
17. Gardner H, Hatch T. Multiple intelligences go to school: Educational implications of the theory of multiple intelligences. Educ Res 1989; 18(8): 4-10.
18. Gardner H. Multiple intelligences: The theory in practice. New York, NY: Basic Books; 1993.
19. Mettetal J, Jordan C, Harper S. Attitudes toward a multiple intelligences curriculum. J Educ Res 2011; 91(2): 115-22.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

20. Davis K., Christodoulou J, Seider S, Gardner H. The theory of multiple intelligences. In: Sternberg RJ, Kaufman SB, Editors. Cambridge handbook of intelligence. Cambridge, UK: Cambridge University Press; 2011. p. 485-503.
21. Shure MB. I Can Problem Solve: An interpersonal cognitive problem-solving program: Intermediate elementary grades. Champaign, IL: Research Press; 2001.
22. Abedi A. Construction and standardization of scale assessment of multiple intelligences of children 6 to 10 years old. Education Organization in Isfahan Province Publications; 2008.
23. Obodiat S, Amiri SH. Effect of social relations education based on playing game with Gardner interpersonal intelligence plan on social interaction and happiness in pre-school children [MSc Thesis]. Khorasgan, Iran: Khorasgan Branch, Islamic Azad University; 2012. [In Persian].
24. Amiri S. The development study of the relationship among social status, adaptive behavior, social skill and controlled behavior disorder. Psychoscience 2003; 2(6): 159-70. [In Persian].
25. Yazdanipur N, Yazdkhasti F. The effectiveness of group play on social skills of preschool children in Isfahan, Iran. J Res Behav Sci 2012; 10(3): 221-8. [In Persian].
26. Kascsak TM. The impact of child-centered group play therapy on social skills development of kindergarten children [PhD Thesis]. Charlotte, NC: The University of North Carolina at Charlotte; 2012.
27. Mashford-Scott A, Church A, Tayler C. Seeking children's perspectives on their wellbeing in early childhood settings. Int J Early Child 2012; 44(3): 231-47.
28. Campbell L, Campbell B. Multiple intelligences and student achievement: Success stories from six schools. Alexandria, VA: ASCD; 1999.
29. Bar-On R. The Bar-On model of emotional-social intelligence (ESI). Psicothema 2006; 18(suppl): 13-25.
30. Komninou L. New pedagogical theories in practice: Multiple intelligences and eTwinning [Online]. [cited 2010]; Available from: URL**:** etwinning.sch.gr/files/MI_eTwinning.pdf
31. Heckman JJ. Invest in the very young. Chicago, IL: Ounce of Prevention Fund and the University of Chicago Harris School of Public Policy Studies; 2000.
32. Masten AS, Coatsworth JD. The development of competence in favorable and unfavorable environments. Lessons from research on successful children. Am Psychol 1998; 53(2): 205-20.
33. Cluck M, Hess D. Improving student motivation through the Use of the Multiple Intelligences [MSc Thesis]. Chicago, IL: Saint Xavier University; 2003.
34. Jung TH, Kim MH. The application of multiple intelligences theory in South Korea, the project spectrum approach for young children. Sch Psychol Int 2005; 26(5): 581-94.
35. Samalot-Rivera A, Porretta D. The influence of social skills instruction on sport and game related behaviours of students with emotional or behavioural disorders. Phys Educ Sport Pedagogy 2012; 18(2): 117-32.
36. Liberman LC, Lipp OV, Spence SH, March S. Evidence for retarded extinction of aversive learning in anxious children. Behav Res Ther 2006; 44(10): 1491-502.
37. Baggerly J, Parker M. Child-centered group play therapy with African American boys at the elementary school level. J Couns Dev 2005; 83(4): 387-96.
38. Aksoy P, Baran G. Review of studies aimed at bringing social skills for children in preschool period. Procedia Soc Behav Sci 2010; 9(Supplement C): 663-9.
39. Pahl KM, Barrett PM. The development of social-emotional competence in preschool-aged children: An introduction to the fun FRIENDS program. Aust J Guid Counsell 2007; 17(1): 81-90.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]

The Effectiveness of Social Relations Training Based on Playing Game with Gardner Interpersonal Intelligence on Social Interaction and Happiness of Pre-school Children

Saedeh Obodiat[1], Sholeh Amiri[2]

Original Article

Abstract

Aim and Background: Multidimensional and complex nature of children's behavior requires usage of modern treatments. The aim of this study was to determine the effectiveness of social relations training on social interaction and happiness in pre-school children, based on playing the game with Gardner interpersonal intelligence.

Methods and Materials: This experimental study was conducted by using pretest and posttest with a control group. The children of one of the pre-school centers were selected randomly by multistage cluster sampling and all of them were examined by Matson evaluation of social skills with youngsters (MESSY) scale. Twenty-four children, with the lowest scores, were selected and placed in experimental and control group groups. All the mothers' subjects filed out MESSY, Gardner multiple intelligence and Oxford happiness questionnaires, adjusted for children, before and after the intervention. The experimental group was trained social relation-based playing for twelve sessions, according to Gardner interpersonal intelligence.

Findings: A significant difference between the experimental and control groups ($P < 0.050$) was observed in social skills.

Conclusions: These findings recommend that social relations training, based on Gardner interpersonal intelligence, could be used to increase the social interaction and happiness in pre-school children.

Keywords: Interpersonal relations, Social intelligence, Social skills, Happiness, Preschool children

Citation: Obodiat S, Amiri S. **The Effectiveness of Social Relations Training Based on Playing Game with Gardner Interpersonal Intelligence on Social Interaction and Happiness of Pre-school Children.** J Res Behav Sci 2017; 15(3): 306-12.

Received: 11.06.2017 Accepted: 15.08.2017

1- Department of Psychology, School Educational Sciences and Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2- Assistant Professor, Department of Psychology, School Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Corresponding Author: Saedeh Obodiat, Email: saedeh_o1984@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.3.6.9]